

ترتیبات تجاری منطقه‌ای پس از دومین جنگ جهانی

نشاره:

همزمان با تلاش‌های جهانی آزادسازی تجارت بین‌المللی پس از خاتمه جنگ دوم جهانی، فعالیت و همکاری برای ایجاد ترتیبات تجاری منطقه‌ای در گوشه و کنار دنیا گسترش یافت. در فاصله سال‌های ۹۴-۱۹۴۷، موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) نود و هشت موافقتنامه تجاری منطقه‌ای در بین کشورهای صنعتی و یازده فقره ترتیبات تجارت منطقه‌ای در بین کشورهای در حال توسعه را شناسایی کرد.

همزمان با شکل‌گیری سازمان جهانی تجارت (WTO)، اتحادیه اروپا نیز به صورت پیمانی فزاینده از پیش، فعالیت خود را ساماندهی کرد. در همین حال موافقتنامه‌های تجارت منطقه‌ای در مناطق مختلف جغرافیایی، کشورهای گوناگون را شامل شده و آنها را دربر گرفته است. این در حالی است که برخی موافقتنامه‌های تجاری به صورت فرامنطقه‌ای در حال رشد بوده‌اند. آنچه مسلم است، نتیجه این فرآیند، حرکت به سمت یکپارچگی منطقه‌ای بوده که با ایده و تفکر آزادسازی تجارت جهانی، سازگاری و همخوانی کافی ندارد.

با وجود تجربیات حاصل از تشکیل گات و شکل‌گیری پیمان‌های یکپارچگی منطقه‌ای، سازمان جهانی تجارت پا به عرصه وجود نهاده است. این در حالی است که آزادسازی‌های تجارت منطقه‌ای با روند آزادسازی تجارت بین‌المللی می‌تواند مغایرت‌ها و تناقض‌هایی داشته باشد.

با این مقدمه، قصد داریم به بررسی وضعیت شکل‌گیری ترتیبات تجاری منطقه‌ای پس از خاتمه دومین جنگ جهانی بپردازیم و مزایای ناشی از این پیمانها را برای طرف‌های متعاقد از نظر بگذرانیم.

بررسی تشکیل پیمان‌های منطقه‌ای نشان می‌دهد که دو دوره مشخص از نظر تاریخی در این جریان قابل شناسایی است. دوره نخست تا دهه ۱۹۷۰ و دوره دوم تا دهه ۱۹۹۰ که روند شکل‌گیری ترتیبات تجاری منطقه‌ای شتاب گرفته است. البته طی این سال‌ها برخی پیمان‌ها نیز از بین رفته‌اند. اغلب ترتیبات تجاری منطقه‌ای کشورهای در حال توسعه در دهه

۱۹۶۰ شکل گرفت. اما در دهه ۱۹۷۰ جامعه اقتصادی اروپا به لحاظ عملکرد، حایز اهمیت است. آنچه مسلم است، سهم پیمان‌های تجارت منطقه‌ای در مجموعه تجارت جهانی بیشتر مدنظر می‌باشد، در حالی که دورنمای فعالیت پیمان‌های منطقه‌ای به‌ویژه در راستای آزادسازی تجارت همانند ضوابط مربوط به تعرفه‌های تجاری قابل بررسی است.

بررسی تشکیل پیمان‌های منطقه‌ای نشان می‌دهد که دو دوره مشخص از نظر تاریخی در این جریان قابل شناسایی است. دوره نخست تا دهه ۱۹۷۰ و دوره دوم تا دهه ۱۹۹۰ که روند شکل‌گیری ترتیبات تجاری منطقه‌ای شتاب گرفته است. البته طی این سال‌ها برخی پیمان‌ها نیز از بین رفته‌اند. اغلب ترتیبات تجاری منطقه‌ای کشورهای در حال توسعه در دهه

تجارت با دیگر کشورهای جهان رواج داد. در ۱۰۹ موافقتنامه‌ای که در فاصله سال‌های ۹۴-۱۹۴۸ از سوی گات شناسایی شده، کشورهای اروپایی در ۷۰ فقره آن عضویت داشتند.

از بین رفتن تقسیم‌بندی سیاسی میان شرق و غرب اروپا در سال ۱۹۸۹ موجب گردید که ترتیبات تجاری منطقه‌ای (اروپای غربی)، کشورهای مرکز و شرق اروپا را نیز دربرگیرد و شمار موافقتنامه‌های تجاری مورد شناسایی گات در اروپا از ۲۳ مورد به ۹ مورد کاهش پیدا کند.

ترتیبات تجاری منطقه‌ای که در ژانویه ۱۹۹۵ مورد شناسایی گات قرار گرفته است و شامل موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی است، بدین شرح می‌باشد:

■ اروپا:

- اتحادیه اروپا: شامل کشورهای اتریش، بلژیک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، ایرلند، ایتالیا، لوکزامبورگ، هلند، پرتغال، اسپانیا، سوئد و انگلستان.

- موافقتنامه‌های تجارت آزاد اتحادیه اروپا با کشورهای استونی، ایسلند، اسرائیل، لتونی، لیختن‌اشتاین، لتوانی، نروژ و سوئیس.

- موافقتنامه‌های انجمن اتحادیه اروپا (EC Association Agreements) با کشورهای بلغارستان، قبرس، جمهوری چک، مجارستان، مالت، لهستان، رومانی، جمهوری اسلواک و ترکیه.

- اتحادیه تجارت آزاد اروپایی European Free Trade Association (EFTA): شامل کشورهای ایسلند، لیختن‌اشتاین، نروژ و سوئیس.

- موافقتنامه‌های تجارت آزاد (EFTA) با کشورهای بلغارستان، جمهوری چک، مجارستان، اسرائیل،

لهستان، رومانی، جمهوری اسلواک و ترکیه.

- موافقتنامه‌های تجارت آزاد نروژ با کشورهای استونی، لتونی و لتوانی.

- موافقتنامه‌های تجارت آزاد سوئیس با کشورهای استونی، لتونی و لتوانی.

- اتحادیه گمرکی جمهوری‌های چک و اسلواک.

- منطقه تجارت آزاد اروپای مرکزی شامل کشورهای جمهوری چک، مجارستان، لهستان و جمهوری اسلواک.

- موافقتنامه تجارت آزاد جمهوری چک و اسلوانی.

- موافقتنامه تجارت آزاد جمهوری اسلواک و اسلوانی.

■ آمریکای شمالی:

- موافقتنامه تجارت آزاد کانادا و ایالات متحده آمریکا (CUFTA).

- موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (NAFTA).

■ آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب:

- جامعه کارائیب و بازار مشترک (کاریکوم)

Caribbean Community and Common Market

- بازار مشترک آمریکای مرکزی Central American Common Market (CACM)

- اتحادیه یکپارچگی آمریکای لاتین Latin American Integration Association (LAIA)

- پیمان گروه آند Andean Pact.

- بازار مشترک جنوبی (مرکوسور) Southern Common Market (MERCOSUR)

■ خاورمیانه:

- سازمان همکاری اقتصادی Economic Cooperation Organization (ECO)

- شورای همکاری خلیج فارس

■ آسیا:

- موافقتنامه تجاری روابط نزدیک اقتصادی استرالیا - زلاندنو Australia-New Zealand Closer Economic Relations Trade Agreement (CER)

- موافقتنامه بانکوک Bangkok Agreement

- برنامه عمومی ترجیحات تجاری برای منطقه تجارت آزاد اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا (آسه‌آن) Common Effective Preferential Scheme for the ASEAN Free Trade Area

- موافقتنامه تجاری جمهوری دمکراتیک خلق لائوس و تایلند.

■ دیگر مناطق:

- موافقتنامه تجارت آزاد اسرائیل - ایالات متحده آمریکا.

ترتیبات فرامنطقه‌ای

■ اروپا:

- ترتیبات همکاری جامعه اقتصادی اروپا با کشورهای الجزایر، مصر، اردن، لبنان، مراکش، سوریه و تونس.

- چهارمین پیمان لومر ACP-EEC

■ آسیا:

- موافقتنامه استرالیا - پاپوآ گینه نو.

- موافقتنامه همکاری تجاری منطقه جنوب اقیانوس آرام South Pacific Regional Trade Cooperation Agreement (SPARTECA)

چنانچه سازمان همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوس آرام (APEC) طبق توافقاتی که به عمل آمده موفق شود آزادسازی تجارت و سرمایه‌گذاری را تا سال ۲۰۲۰ محقق سازد، یک منطقه آزاد تجاری را شکل خواهد داد. در نتیجه همه کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت (WTO) سرانجام در یک توافقنامه تجارت ترجیحی مشارکت خواهند داشت. به عبارت دیگر تمام اعضای سازمان جهانی تجارت دست‌کم در یک توافقنامه ترجیحی خواهند گنجید و کشورهای جهان سوم و برخی دیگر کشورها از آن خارج خواهند ماند.

توسعه اتحادیه اروپایی و روابط تجارت ترجیحی آنها، در کنار شکل‌گیری منطقه تجارت آزاد آمریکای شمالی بین آمریکا و کانادا (کوفتا) و سپس پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) به منزله آن است که روابط اقتصادی و تجاری در دو بازار عمده در تجارت جهانی (اتحادیه اروپا و آمریکا) در قالب پیمان‌های تجارت منطقه‌ای در حال افزایش است و کشورهای جهان سوم نقش بارزی در آن ندارند. از این رو تحلیلگران تجارت بین‌الملل عقیده دارند که ترتیبات تجاری منطقه‌ای تهدیدی جدی علیه نظام تجارت جهانی است که فقط دو بلوک عظیم تجاری (آمریکا و اتحادیه اروپا) در آن نقش دارند.

با توجه به این دورنما، افزایش شمار پیمان‌های تجارت منطقه‌ای موجبات نگرانی‌های فزاینده‌ای را نسبت به روند تجارت به‌سوی یکپارچگی منطقه‌ای فراهم آورده است.

تصویر دیگری که پس از دومین جنگ جهانی در زمینه یکپارچگی منطقه‌ای در دسترس بود، شمار اندک ترتیبات تجاری منطقه‌ای دربرگیرنده کشورهای در حال توسعه می‌باشد که در

تأسیس مناطق آزاد تجاری یا اتحادیه‌های گمرکی در جهت یکپارچه‌سازی منطقه‌ای نقش داشته‌اند. نتایج مطالعات نشان می‌دهد که تأخیر در ایجاد چنین ترتیبات منطقه‌ای به نحوه سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و تجاری در بین کشورهای در حال توسعه برمی‌گردد. در نتیجه این گروه از کشورها در زمینه‌های یکپارچگی منطقه‌ای و کسب منافع در واردات کالاهای صنعتی و قرار گرفتن در محیط تجارت خارجی در اواخر دهه ۱۹۷۰ و نیز اوایل دهه ۱۹۸۰ عقب افتاده‌اند. اگرچه چند توافقنامه در زمینه آزادسازی تجاری در برخی از کالاهای میان کشورهای در حال توسعه امضا شده است، لیکن آنها کافی نبوده‌اند، زیرا که بخش وسیعی از تجارت اقلام مختلف کالاهای را دربرننگرفته‌اند و لذا از توانمندی‌ها و پتانسیل‌های تجاری و اقتصادی که می‌توانست در اثر آزادسازی تجارت منطقه‌ای به دست آید، استفاده مطلوب به عمل نیاوردند.

کشورهای در حال توسعه به‌ویژه در منطقه آمریکای لاتین و آسیا در جریان برگزاری دورگفت‌وگوهای اروگوئه تلاش خود را برای کسب منافع ناشی از یکپارچگی منطقه‌ای احیا کردند و دریافتند که منافع آنها در پذیرش سیاست‌های تجاری برون‌نگر است. تأکید بیشتر این کشورها بر ترتیبات منطقه‌ای با وجود اجرای سیاست‌های اصلاحات اقتصادی (در سطح اقتصاد کلان) و مبادله اطلاعات و سیاست‌ها در محیط عمومی سیاست‌گذاری، صورت گرفته که توفیقاتی را در زمینه یکپارچگی منطقه‌ای در بین آنها به منصفه ظهور نهاده است.

در همین حال مبحث مهم دیگر در بخش ترتیبات تجاری منطقه‌ای آن است که سطوح اقتصادی کشورهای درگیر در

توافقنامه‌های تجاری با هم متفاوت است. برای مثال شمار زیادی از کشورهای عضو گات به ایجاد آزادی تجاری متعهد شده‌اند و شماری از کشورها که تعدادشان کمتر است، در توافقنامه‌های اتحادیه گمرکی قرار گرفته‌اند که مثال بارز آنها جامعه اقتصادی اروپا، کاریکوم و مرکوسور می‌باشند.

در بین توافقنامه‌های تجارت آزاد، یک فاصله‌ای وجود دارد که برای ایجاد شرایط و سطح یکپارچگی منطقه‌ای مفید است و آن مربوط به توافقنامه‌هایی بین اعضای reciprocal (متقابل یا دوجانبه) و اعضای non-reciprocal (غیردوجانبه) می‌باشد. اعضای توافقنامه‌های دسته اول در زمینه تقلیل و حذف موانع تجاری گام برمی‌دارند، در حالی که اعضای توافقنامه‌های دسته دوم که شامل بسیاری از کشورهای در حال توسعه می‌باشند، در جهت پیوستن به تجارت با کشورهای توسعه یافته گام برمی‌دارند تا بتوانند تجارت فی‌مابین را گسترش دهند و سهمشان را در تجارت بین‌المللی افزایش دهند.

گسترش تجارت بین دو گروه مذکور به نزدیک‌تر ساختن یکپارچگی اقتصادی میان آنها کمک می‌کند و محدودیت‌های تجاری را کاهش می‌دهد. همچنین توافقنامه‌های آزادسازی تجاری دوجانبه بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به روند آزادی تجاری و ایجاد شرایط مساعد برای کشورهای روبه‌رشد جهت توسعه و یکپارچگی اقتصادی کمک می‌کند. به ویژه آنکه برخی از این پیمان‌های دوجانبه از نظر جغرافیایی کشورهای همسایه و نزدیک به هم را دربرنمی‌گیرد.

نکته قابل توجه دیگر آن است که در بین توافقنامه‌های یکپارچگی تجاری و اقتصادی منطقه‌ای، شمار اقلام مورد

مبادله افزایش می‌یابد و آزادسازی تجاری با حذف موانع غیرتعرفه‌ای و کاهش تعرفه‌های تجاری، عمق بیشتری پیدا می‌کند.

با افزایش شمار اقلام کالاهای پذیرفته شده در روند آزادسازی تجاری، تمام توافقنامه‌های اقلام صنعتی (با برخی استثناءها)، بخش قابل توجهی از اقلام کشاورزی، مواد اولیه فرآوری نشده (تولیدات جنگلی و شیلات) و فرآورده‌های معدنی را دربرگرفته‌اند. پیش از این به لحاظ ملاحظات برخی کشورها، موضوع آزادسازی تجارت محصولات کشاورزی در دور گفت‌وگوهای تجاری قرار نمی‌گرفت، زیرا این گروه کشورها قصد داشتند تولیدات زراعی را مورد حمایت قرار دهند. اما اینک این اقلام نیز در شمار کالاهای تعرفه‌ای قرار گرفته‌اند. در توافقنامه‌های تجاری در حال حاضر موانع غیرتعرفه‌ای حذف شده‌اند. برای مثال در اتحادیه اروپا کلیه موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای در تجارت بین اعضا حذف شده است.

برخی توافقنامه‌هایی که در سال‌های اخیر امضا شده، دورنمای آزادسازی تجارت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برای مثال توافق بین استرالیا و نیوزیلند که روند مناسبات اقتصادی و تجاری میان آنها را از سال ۱۹۸۳ به بعد تغییر داده و چارچوبی را برای یکپارچگی اقتصادی بین این دو کشور فراهم آورده است. توافق بین کشورهای جنوب شرقی آسیا (اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا - آسه‌آن) نیز گامی در همین جهت می‌باشد که در سال ۱۹۷۹ بین کشورهای مذکور برداشته شد و آثار مثبت خود را در اوایل دهه ۱۹۹۰ نشان داد.

در سال ۱۹۹۱ این کشورها در زمینه ایجاد یک منطقه تجارت آزاد بین خود تا سال ۲۰۰۳ به توافق رسیدند. در همین

حال کشورهای عضو بازار مشترک جنوبی (مرکوسور) نیز در برقراری اتحادیه گمرکی به توافق رسیدند. توافقنامه منطقه‌ای میان این کشورها با عنوان اتحادیه یکپارچگی آمریکای لاتین، زمینه برای ایجاد فضای تجارت آزاد در بین آنها برای چندین قلم کالا را فراهم آورده است.

با این وصف شماری از کشورهای درحال توسعه نیز این هدف بلندپروازانه «یکپارچگی منطقه‌ای» را دنبال می‌کنند. در همین حال در موافقتنامه تجارت آزاد جهانی در پایان گفت‌وگوهای دور اروگوئه، آزادسازی تجارت خدمات و قانون حمایت از حقوق آثار فرهنگی گنجانده شد که این امر نیز کمابیش مانند توافقنامه‌های تجارت منطقه‌ای است. پذیرش این موارد به عقد توافقنامه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کمک می‌کند.

کارشناسان عقیده دارند که توافقنامه تجارت آزاد بین اتحادیه اروپا و اعضای اتحادیه تجارت آزاد اروپا (اقتا) در زمینه کالاهای صنعتی، زمینه تأسیس «منطقه اقتصادی اروپایی» (European Economic Area) را تکمیل کرده است و استانداردهای فنی موردنظر اتحادیه اروپا را تضمین می‌کند. در همین حال هماهنگی میان سیاست‌های رقابتی و سیاست‌های مربوط به یارانه‌ها، عوامل لازم برای حذف رقابت مکارانه را فراهم می‌سازد.

در نهایت می‌توان گفت تجربیات به‌عمل آمده، جزییاتی را برای ارزیابی تربیتات تجارت منطقه‌ای در شش منطقه جغرافیایی در جهان، در دسترس قرار داده است.

با این وجود، باید گفت در آفریقا و خاورمیانه، مشکلاتی برای ایجاد یکپارچگی منطقه‌ای به چشم می‌خورد که

به‌طور عمده از شمار موافقتنامه‌های بین این دو منطقه ناشی می‌شود. هنوز تعدادی از کشورهای آفریقا و خاورمیانه به عضویت گات درنیامده‌اند و زمینه‌های لازم برای دستیابی به توافقنامه‌های تجارت آزاد منطقه‌ای بین آنها فراهم نشده است.

زمانی که اتحادیه عرب در سال ۱۹۴۵ تأسیس شد، انتظار می‌رفت که همکاری‌های نزدیک‌تر اقتصادی و تجاری میان این کشورها نضج بگیرد. در سال ۱۹۵۷ نیز موافقتنامه اتحادیه اقتصادی بین ۲۱ کشور عضو اتحادیه عرب منعقد شد تا بتواند این مقصود را به انجام رساند. این نهاد با هدف ایجاد بازار مشترک عربی از طریق دستیابی به یک منطقه تجارت آزاد ظرف ۱۰ سال، به‌وجود آمد تا بتواند همکاری منطقه‌ای را بسط دهد و تجارت اقلام صنعتی و خدمات زیربنایی بین کشورهای موردبحث را گسترش دهد.

این توافقنامه ابتدا در سال ۱۹۶۵ بین کشورهای مصر، عراق، اردن و سوریه امضا شد و سپس لیبی، موریتانی و یمن نیز بدان پیوستند. تعرفه‌های گمرکی و نیز عوارض و مالیات‌های تجاری در بین کشورهای عضو بازار مشترک عرب در سال ۱۹۷۱ تعدیل شد، اما آمادگی برای ایجاد تعرفه‌های عمومی (یکسان) بین اعضا وجود نداشت. در سال ۱۹۸۱ کشورهای کویت، عربستان سعودی، بحرین، عمان، قطر و امارات متحده عربی، شورای همکاری خلیج فارس را تأسیس کردند و یک منطقه تجارت آزاد اقلام صنعتی و تولیدات کشاورزی (به استثنای فرآورده‌های نفتی) را به‌وجود آوردند. شورای همکاری خلیج فارس هنوز هم هدف ایجاد رژیم واحد گمرکی (اتحادیه گمرکی) و اتخاذ سیاست‌های هماهنگ در زمینه‌های مالی و امور

اقتصادی را دنبال می‌کند.

در سال ۱۹۶۴ کمیته مشاوره‌ای مغرب در بین کشورهای مغرب ایجاد شد که گسترش همکاری‌های اقتصادی را هدف قرار داده بود. اما فعالیت‌های این نهاد به ایجاد ترتیبات منطقه‌ای منتهی نشده است.

در سال ۱۹۸۹ اتحادیه مغرب عربی توسط کشورهای الجزایر، لیبی، موریتانی، مراکش و تونس به وجود آمد که ایجاد منطقه اقتصادی مغرب را دنبال می‌کند.

البته از دهه ۱۹۶۰ در بین کشورهای آفریقایی انگیزه و خواست ایجاد یکپارچگی اقتصادی در برابر عدم وابستگی، شکل گرفت. در سال ۱۹۵۹ هفت کشور مستقل آفریقایی که قبلاً مستعمره فرانسه بودند، شامل بنین (داهومی)، بورکینافاسو (ولتای علیا)، ساحل عاج، مالی، موریتانی، نیجر و سنگال پیمان تأسیس اتحادیه گمرکی کشورهای غرب آفریقا (کوواس) را امضا کردند. به استثنای مالی، بقیه این کشورها ارز مشترک و بانک مرکزی داشتند و مبادله کالاها در بین مرزهای آنها به آزادی صورت می‌گرفت. با این وصف انعقاد پیمان مذکور به منزله حفظ آزادی‌های مورد بحث در دوران استقلال این کشورها بود.

در همین حال «کوواس» ترتیباتی را ایجاد کرد که کشورهای عضو در برابر مبادلات تجاری با کشورهای ثالث، تعرفه‌های یکسانی را اعمال کنند. با این حال پیمان مربوط به کوواس هرگز به طور کامل به اجرا درنیامد. تا آنکه در سال ۱۹۶۶ اتحادیه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا (CEAO) شکل گرفت و نظام یکسانی درباره تعرفه‌های تجارت خارجی و هماهنگی مالیات‌ها ایجاد کرد. اما این ضوابط نیز بعدها به طور کامل

اجرا نشد.

جامعه اقتصادی دول غرب آفریقا Economic Community of West African States (ECOWAS) در سال ۱۹۷۵ در بین هفت کشور عضو (CEAO) و سه کشور دیگر عضو اتحادیه مانوربور (گینه، لیبیریا و سیرالئون) و نیز کشورهای کیپ‌ورد، گامبیا، غنا، گینه بیسائو، نیجریه و توگو تشکیل شد. اکوواس در سال ۱۹۸۱ تعرفه‌های تجاری اقلام کشاورزی و صنایع دستی را تعدیل کرد و در زمینه از بین بردن محدودیت‌های مربوط به تجارت کالاها صنعتی به توافق رسید که تاکنون این توافق اجرایی نشده است. در سال ۱۹۹۰ اکوواس برنامه جدیدی برای تکمیل فرآیند تجارت آزاد کالاها و فرآوری نشده بین اعضا معرفی کرد و پیشرفت‌هایی برای آزادسازی تجارت کالاها صنعتی را مطرح ساخت.

دیگر فعالیت‌های اکوواس شامل اقداماتی برای اجتناب از استفاده از ارزهای قوی در مبادلات تجاری فیما بین کشورهای عضو و ایجاد یک سیستم پایاپای پرداخت‌های منطقه‌ای، همکاری‌های صنعتی و پروژه‌های سرمایه‌گذاری کشاورزی می‌باشد. در بین کشورهای آفریقای مرکزی، شامل کنگو، گابن، جمهوری آفریقای مرکزی و چاد در سال ۱۹۵۹ اتحادیه گمرکی استوایی ایجاد شد. توافقنامه مربوط به این اتحادیه در سال ۱۹۶۰ نقل و انتقال سرمایه در منطقه و هماهنگی سیاست‌های مالی برای ایجاد انگیزه‌های لازم جهت فعالیت شرکت‌ها را نیز دربرگرفت. در سال ۱۹۶۱ کامرون نیز به عضویت این اتحادیه گمرکی درآمد و تا سال ۱۹۶۲ یک سیستم تعرفه عمومی در مبادلات تجاری خارجی کشورهای

مورد بحث به وجود آمد. در سال ۱۹۶۴ اعضای اتحادیه گمرکی استوایی توافق کردند که فرآیند توسعه صنعتی در منطقه را هماهنگ کنند و اتحادیه گمرکی و اقتصادی آفریقای مرکزی (UDEAC) در سال ۱۹۶۶ با الحاق گینه استوایی جای اتحادیه گمرکی استوایی را گرفت. در سال ۱۹۹۰ نیز در بین چهار کشور از اعضای UDEAC (شامل کامرون، کنگو، گابن و جمهوری آفریقای مرکزی) سیستم تعرفه‌های یکسان عمومی به وجود آمد.

در بین مستعمرات پیشین انگلیس در شرق آفریقا نیز در سال ۱۹۶۷ اتحادیه اقتصادی شرق آفریقا به وجود آمد. اتحادیه EAEC در بین کشورهای کنیا، تانزانیا و اوگاندا جهت ایجاد بازار مشترک تأسیس شد. در همین حال ضمن تأسیس بانک توسعه شرق آفریقا، هماهنگی برای یکسان‌سازی مالیات‌ها و توزیع درآمدهای ناشی از گمرکات و مالیات‌ها در بین کشورهای یادشده، برقرار شد.

سه کشور عضو EAEC به همراه ۱۳ کشور دیگر (آنگولا، بروندي، کومور، جیبوتی، اتیوپی، لسوتو، مالاوی، موریس، موزامبیک، نامیبیا، رواندا، سومالی، سودان، سوازیلند، زامبیا و زیمبابوه) در سال ۱۹۸۱ «ترتیبات تجارت ترجیحی برای کشورهای شرق و جنوب آفریقا» را تأسیس کردند. هدف از این اقدام، ایجاد بازار مشترک تا سال ۲۰۰۰ به منظور توسعه تجارت و همکاری‌های اقتصادی بین کشورهای عضو بوده است.

